

درس هشتم

نسب پوری حضرت مهدی

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

۱. مضرت مهدی علیه السلام ، از فرزندان «عبد المطلب»
۲. مضرت مهدی علیه السلام ، از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله با عنوان های
 - ۱-۲. «عکرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»
 - ۲- ۲. «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله»
 - ۳-۲. «ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله»
 - ۴-۲. «فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله»
۳. مضرت مهدی علیه السلام ، از «فرزندان مضرت علی علیه السلام»
۴. مضرت مهدی علیه السلام ، از «فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام»
۵. مضرت مهدی علیه السلام ، از «فرزندان امام مجتبی علیه السلام»
۶. مضرت مهدی علیه السلام ، از «فرزندان امام مسین علیه السلام»
۷. مضرت مهدی علیه السلام ، از «فرزندان امام باقر علیه السلام»
۸. مضرت مهدی علیه السلام ، از «فرزندان امام صادق علیه السلام»
۹. مضرت مهدی علیه السلام ، از «فرزندان امام کاظم علیه السلام»
۱۰. مضرت مهدی علیه السلام ، از «فرزندان امام رضا علیه السلام»
۱۱. مضرت مهدی علیه السلام ، از «فرزندان امام محمد تقی علیه السلام»
۱۲. مضرت مهدی علیه السلام ، از «فرزندان امام هادی علیه السلام»

پیش درآمد

معصومین علیهم السلام پیش بینی می کردند که به لحاظ اهمیت موضوع «مهدویت» افرادی شاید پیدا شده و ادعاهای باطلی خواهند کرد. از طرفی موعود امت‌ها کسی نیست، جز آخرین جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مردی از اهل بیت و عترت او، (از نسل دختر بزرگوار ایشان و از فرزندان امام حسین بن علی علیه السلام) ... از این رو اهتمام ویژه‌ای داشتند تا آن منجی عالم بشریت را به روشنی برای جهانیان معرفی کنند.

ره آورد این اهتمام، صدها روایت نورانی است که به عنوان میراثی گران بها، رهبر آینده جهان را، فرا روی حقیقت جویان عالم نمایان کرده است. البته در این میان دست‌های ناپاکی، به عناوین مختلف کار را دشوار کرده اند؛ از جعل روایاتی برای انکار اصل مهدویت گرفته تا روایاتی که او را از فرزندان عباس عموی پیامبر معرفی کرده است!! و نیز احادیثی که او را فرزند عبد الله نامی دانسته تا روایاتی که آن حضرت را از نسل امام مجتبی علیه السلام معرفی کرده است و...! در یک نگاه کلی می‌توان روایاتی که در آنها به تبار حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده، چنین دسته بندی کرد:

۱. حضرت مهدی علیه السلام از «فرزندان عبد المطلب»

براساس روایات شیعه و سنی، حضرت مهدی علیه السلام، از نسل عبد المطلب علیه السلام جد بزرگوار رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است. ابن ماجه و دیگران با سندهایشان از آنس بن مالک نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «نَحْنُ وَوَلَدُ عَبْدِ الْمُطَّلَبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَنَا وَحَمْرَةٌ وَعَلِيٌّ وَ

جَعْفَرٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ»^۱ «ما فرزندان عبد المطلب، سروران اهل بهشتیم؛ من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی»^۲.

۲. حضرت مهدی علیه السلام، از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

این مضمون در گروه‌های متعددی از روایات به چشم می‌خورد که بعضی از آنها بدین قرار است:

۱-۲. «عترت پیامبر صلی الله علیه و آله»

«عترت» در لغت معانی متعددی دارد؛ از جمله نزدیکان شخص از طرف فرزندان و فرزندان آنها؛ اما در اینجا مقصود، ائمه اطهار علیهم السلام است.^۳

احادیث فراوانی با این مضمون که حضرت مهدی علیه السلام از عترت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است، در منابع شیعی و سنی وجود دارد. شیخ طوسی رحمته الله علیه با ذکر سند از ابوسعید خدری نقل کرده است: شنیدم رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر فراز منبر می‌فرمود: «إِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ عِترَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ تَنْزِلُ لَهُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ تَخْرُجُ لَهُ الْأَرْضُ بَذْرَهَا فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَهَا الْقَوْمُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۴ «همانا مهدی از عترت و اهل بیت من است. در آخرالزمان خروج خواهد کرد. آسمان همه برکت هایش را برای او نازل خواهد کرد. و زمین آنچه در خود نهفته دارد، برای او بیرون خواهد ریخت. پس زمین را آکنده از عدل و قسط می‌کند، آن سان که مردم آن را پر از ستم و بیداد کرده اند».

همچنین او از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «يقوم في آخر الزمان رجل من عترتي شاب حسن الوجه أجلي الجبين أقتني الانف يملأ الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً

۱. ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۷؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۲۳۳، ح ۴۹۴.

۲. ر. ک: محمد بن حسن طوسی رحمته الله علیه، کتاب الغیبه، ص ۱۸۳؛ شیخ صدوق رحمته الله علیه، الامالی، ص ۴۷۵.

۳. ر. ک: لسان العرب، ج ۴، ص ۵۲۸؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۹۶، ریشه عتر.

۴. محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۰، ح ۲۵.

و جوراً...»^۱ «در آخرالزمان مردی جوان، نیکو صورت، بلند پیشانی، دارای بینی باریک، از عترت من قیام خواهد کرد و زمین را سرشار از قسط و عدل خواهد نمود، آن گونه که از ظلم و جور آکنده شده باشد...».

همو از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «لا تقوم الساعة حتى تمتلأ الارض ظلماً و عدواناً قال ثم يخرج رجل من عترتي و من اهل بيتي يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً»^۲ «قیامت بر پا نمی شود، مگر آنکه دنیا مملو از ستم و دشمنی شود. سپس مردی از عترتم و اهل بیتم، خروج می کند و آن را سرشار از قسط و عدل می سازد، آن سان که از ظلم و دشمنی پر شده باشد».

در تفسیر قرطبی، روایاتی که حضرت مهدی علیه السلام را از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله بیان کرده، متواتر دانسته است: «تواترت علی أن المهدی من عترت رسول الله صلی الله علیه و آله...»؛ آن گاه با بررسی روایاتی که مهدی را همان عیسی علیه السلام دانسته است؛ بر احادیث مربوط به عترت بودن حضرت مهدی علیه السلام صحه می گذارد: «والاحادیث التي قبله في التنصيص على خروج المهدی و فيها بیان کون المهدی من عترت رسول الله صلی الله علیه وسلم أصح إسناداً...»^۳ یعنی، و احادیثی که نص بر خروج مهدی است - و پیش از این مورد بررسی قرار گرفت که در آن بیان شده بود مهدی، از عترت پیامبر است - از نظر سند صحیح تر است ...

۲-۲. «اهل بیت پیامبر علیهم السلام»

عبدالله بن مسعود می گوید: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «لا تذهب الدنيا حتى يلي أمتي رجلٌ من اهل بيتي يقال له المهدی»^۴ «دنیا به پایان نمی رسد؛ مگر اینکه امت مرا مردی

۱. السنن الواردة فی الفتن، ج ۵، ص ۱۰۳۸.

۲. مسند احمد، ج ۱۱۳۳، ص ۱۱۶۸۶، ج ۱۱۲۳۹.

۳. تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۲۲.

۴. محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲، ج ۱۴۱.

رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می‌شود.

و از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْمَهْدِي مَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَصْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ»؛ «مهدی از ما اهل بیت است و خداوند در یک شب به امر او را به سامان می‌آورد».

شیخ طوسی رحمته الله با ذکر سند از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَّ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِي»؛ «دُنیا به پایان نمی‌رسد؛ مگر اینکه امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می‌شود».

أَبُو سَعِيدٍ خُدْرِي نيز از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است: «الْمَهْدِي مَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ «مهدی از ما اهل بیت است». امام باقر علیه السلام نیز در این رابطه از آن حضرت صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا ادراک کند و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد. دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد؛ چنین کسی در روز قیامت از رفیقان و دوستان من و گرامی‌ترین امت من خواهد بود».^۴

ابوداود با ذکر سند از حضرت علی علیه السلام آورده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبِعثَ اللهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلأها عَدْلًا...»^۵؛ «اگر از عمر روزگار به جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا بر انگیزد که دنیا را پر از عدل کند...».

نعیم بن حماد از ابو سعید خدری نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هُوَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي»؛ «او مردی از اهل بیت من است».

۱. ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۵.

۲. محمد بن حسن طوسی رحمته الله، کتاب الغیبة، ص ۱۸۲.

۳. ر. ک: مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

۴. شیخ صدوق رحمته الله، کمال الدین و تمام النعمة، باب ۲۵، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲.

۵. سنن ابو داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۲.

۶. نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۱۱.

۳-۲. «ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله»

«ذریه»، در لغت عبارت است از نسل انسان که از طریق پسر و دختر، استمرار می‌یابد. ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله، در اصطلاح به نسل رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفته می‌شود که از طریق بانوی بزرگ اسلام، زهرای مرضیه علیها السلام استمرار یافته است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِي إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَمَهُ وَصَلَّى خَلْفَهُ»؛^۱ «از ذریه من مهدی است. آن هنگام که خروج کند، عیسی بن مریم علیه السلام، برای یاری اش نازل می‌شود. پس [عیسی علیه السلام] او را جلو انداخته، و پشت سرش نماز می‌گزارد».

۴-۲. «فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله»

عبد الله بن عمر نقل می‌کند: از حُسَین بن علی علیهما السلام شنیدم که چنین می‌فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْزًا وَظُلْمًا»؛ «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند عز و جل آن روز را چنان طولانی می‌کند تا اینکه مردی از خاندانم خروج نماید و [زمین را] پر از عدل و داد کند، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد». [آن گاه امام حسین علیه السلام فرمود]: «این گونه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم».^۲

امام صادق علیه السلام نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي»؛^۳ «کسی که قائم از فرزندان مرا انکار کند، مرا انکار کرده است».

و نیز فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛^۴ «کسی که

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۶۸، ح ۴.

۲. محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۲۵.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۹، ص ۴۱۲، ح ۸.

۴. همان، ح ۱۲.

قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلی مرده است».

و فرمود: «الْمَهْدِي رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِّيِّ»^۱ «مهدی، مردی از فرزندان من است؛ سیمای او چون ستاره درخشان است».

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «قائم از فرزندان من است؛ نامش نام من و کنیه اش کنیه من است. شمایل او شمایل من و روش او روش من است. مردم را بر آیین و دینم دعوت کند و آنها را به کتاب پروردگارم فراخواند. کسی که او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است و کسی که او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است...»^۲.

۳. حضرت مهدی علیه السلام از «فرزندان حضرت علی علیه السلام»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه فرمود: «... فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ الْمَهْدِيِّ وَهُوَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي هَذَا - وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام - بِهِ يَمْحَقُ اللَّهُ الْكُذِبَ وَ يَذْهَبُ الزَّمَانُ الْكَلْبَ بِهِ يَخْرُجُ ذُلُّ الرِّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ»^۳ «... مهدی، مردی از فرزندان این است - و با دست مبارک خود به علی علیه السلام اشاره فرمود - خداوند به وسیله او، دروغ را محو می کند و سختی روزگار را بر طرف می گرداند و طوق بندگی را از گردن های شما بیرون می آورد».

امیرمؤمنان علیه السلام نیز فرموده است: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مَنِيَّ»^۴ «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا اینکه مردی از خاندانم برانگیخته شود».

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف النعمه، ج ۲، ص ۴۶۹.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۹، ص ۴۱۱، ح ۶.

۳. کتاب الغیبه؛ ص ۱۸۵.

۴. کتاب الغیبه، ص ۴۶. رک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۴.

و نیز آن حضرت فرمود: «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ وَدِيِّ»؛ «صاحب این امر، از فرزندان من است».

۴. حضرت مهدی علیه السلام، از «فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام»

در این دسته از روایات نیز موارد مشترک فراوانی بین شیعه و سنی وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

ام سلمه گوید: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «الْمَهْدِي مِنْ عَتْرَتِي مِنْ وَدِيِّ فَاطِمَةَ»؛ «مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

نعیم بن حماد از کعب نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی من ولد فاطمة»؛^۳ «مهدی از فرزندان فاطمه است». همچنین او شبیه این روایت را از «زهری» و «زر بن حبیش» نقل کرده است.^۴

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دختر بزرگوارش حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «الْمَهْدِي مِنْ وَدِيِّكَ»؛^۵ «مهدی از فرزندان تو است». امام باقر علیه السلام نیز در این باره فرمود: «الْمَهْدِي رَجُلٌ مِنْ وَدِيِّ فَاطِمَةَ»؛^۶ «مهدی علیه السلام مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

نعیم بن حماد در الفتن آورده است: قتاده به سعید بن مسیب گفت: «المهدی حق هو؟ قال: حق. قال قلت: ممن هو؟ قال: من قریش. قلت: من ای قریش؟ قال: من بنی هاشم. قلت: من ای بنی هاشم؟ قال: من بنی عبد المطلب. قلت: من ای عبد المطلب؟ قال: من

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۵۶، ح ۱۸.

۲. السنن الواردة فی الفتن، ج ۶ ص ۱۰۶۱، ح ۵۸۱.

۳. نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۱۲.

۴. ر. ک: همان، ح ۱۱۱۴ و ح ۱۱۱۷.

۵. علی بن عیسیٰ اربلی، کشف القمعة، ج ۲، ص ۴۶۸.

۶. کتاب الغیبة، ص ۱۸۷.

ولد فاطمة؛^۱ و آیا مهدی حق است؟ گفت: آری حق است. گفتم: او از کدامین تیره است؟ گفت: از قریش. گفتم: از کدام شاخه قریش؟ گفت: از گروه بنی هاشم. گفتم: از کدام گروه بنی هاشم؟ گفت: از فرزندان عبدالمطلب. گفتم: از کدام فرزند عبدالمطلب؟ گفت: از فرزندان فاطمه علیها السلام.

۵. حضرت مهدی علیه السلام از «فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام»

بر اساس روایات، حضرت مهدی علیه السلام به طور قطع از فرزندان حضرت زهرا و امام علی علیهما السلام است. اما از نسل کدامین فرزند؟ امام حسن علیه السلام یا امام حسین علیه السلام؟ در اینجا سه احتمال وجود دارد:

الف. از فرزندان امام حسن علیه السلام است.

ب. از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

ج. از تبار امام حسن و امام حسین علیهما السلام هر دو می‌باشد.

با دقت در احادیث گذشته، دو احتمال الف و ب، قابل بررسی است و نیازی به قبول یا رد احتمال سوم نیست. همچنین فرض احتمال چهارم - یعنی «مهدی از فرزندان امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیست» - باطل و غیر معقول است؛ چرا که بر اساس روایات صحیح و متواتر، مهدی از اهل بیت علیهم السلام و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

حال می‌توان گفت: هرگاه نادرستی یکی از دو احتمال الف یا ب ثابت شود، نیازی به اثبات دیگری نخواهد بود و خود به خود احتمال دیگر، یقینی شده و مطابق واقع خواهد بود.

در بررسی احتمال نخست^۲، به این نتیجه می‌رسیم که در کتاب‌های اهل سنت و در تأیید این دیدگاه، مهم‌ترین روایت حدیثی است که در سنن ابوداود سجستانی است.

راوی می‌گوید: از هارون بن مغیره برایم حدیث کردند که او گفت: عمر بن ابی قیس از شعیب بن خالد از ابو اسحاق روایت کرد و گفت: علی علیه السلام - درحالی که به فرزندش حسن نگاه می‌کرد - گفت: به درستی که این فرزندم آقا و سرور است، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله او را چنین نامید. و

۱. نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۱۰۸۲.

۲. جای بسی تأسف است که به عنوان مؤید این دیدگاه نادرست برخی از اهل سنت گفته اند: «در اینکه مهدی از فرزندان حسن است، سری لطیف نهفته و آن اینکه چون او خلافت را به جهت رضای خداوند نادیده گرفت، پس خداوند نیز مهدی را از نسل او قرار داد تا به مقام خلافت برسد. بر خلاف حسین که به جهت کسب خلافت به جنگ و خونریزی دست زد...» (ر.ک:

محمد بن ابی بکر الحبلی، المنار العنقیف، ص ۱۵۱) [اعاذنا الله من شرور انفسنا]

از صلب او مردی متولد می‌شود که به نام پیامبرتان نامیده می‌شود و در اخلاق شبیه او است، ولی در خلقت شباهتی به او ندارد. سپس نقل کرد که: زمین را پر از عدل و داد می‌کند.^۱ در مورد این حدیث، از دو طریق می‌توان بحث کرد: ۱. بررسی سند آن؛ ۲. مقایسه آن با روایات دیگر.

یکم. در بررسی متن و سند حدیث، می‌توان با دلایل زیر احتمال ساختگی بودن آن را بیان کرد: ۱-۱. اختلاف در نقل حدیث از ابو داود؛ جزری شافعی (م ۸۳۳ هـ. ق) آن را از شخص ابو داود نقل کرده؛ ولی به جای «حسن»، «حسین» ثبت کرده است.^۲

مقدسی شافعی در *عقد الدرر*، آن را با نام «حسن» روایت کرده؛ ولی پژوهشگر کتاب در حاشیه آن، به نسخه‌ای اشاره می‌کند که نام «حسین» در آن ثبت شده است. همچنین نقل سید صدر الدین صدر از *عقد الدرر* با نام «حسین»، نشانگر وجود چنین نسخه‌ای است.^۳

برای رفع اختلاف در این حدیث، نمی‌توان بدون پشتوانه دیگر، یکی از دو نام را بر دیگری ترجیح داد. در مورد نام «حسن» چنین قرینه‌ای وجود ندارد؛ در حالی که برای ترجیح نام «حسین» قرینه‌های بسیاری وجود دارد.

۲-۱. سند حدیث ناپوسته است؛ چون شخصی که از حضرت علی علیه السلام نقل کرده، ابو اسحاق سبیبی است. درباره او ثابت نشده که حتی یک حدیث را خود از امام علی علیه السلام شنیده باشد و منذری در شرح حدیث به این مطلب تصریح کرده است.^۴ چون به گفته ابن حجر، او دو سال قبل از پایان خلافت عثمان متولد شده است.^۵ بنا بر این به هنگام شهادت علی علیه السلام هفت ساله بوده است.

۳-۱. سند حدیث مجهول است؛ چون ابوداود می‌گوید: «از هارون بن مغیره برایم حدیث شد» و معلوم نیست وی چه کسی بوده است؟ طبق مبانی محدثان اهل سنت، حدیثی که راوی مجهول دارد، قابل اطمینان نیست.

۱. سنن ابو داود، ج ۴، ص ۱۰۸، ح ۴۲۹۰؛ نعیم بن حماد، کتاب الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۱۳.

۲. ر.ک: جزری دمشقی شافعی، *اسمی المناقب فی تهذیب اسنی المطالب*، ص ۱۶۵-۱۶۸، ح ۶۱.

۳. سید صدر الدین صدر، *المهدی علیه السلام*، ص ۶۸.

۴. منذری، *مختصر سنن ابو داود*، ج ۶، ص ۱۶۲، ح ۴۱۲۱.

۵. *تهذیب التهذیب*، ج ۸، ص ۵۶، ح ۱۰۰.

۴-۱. ابو صالح سلیلی - یکی از بزرگان اهل سنت - متن این حدیث را با اسناد خود، از امام موسی بن جعفر علیه السلام از امام صادق علیه السلام، از علی بن الحسین علیه السلام، از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده و در آن نام «حسین» آمده است؛ نه «حسن».^۱

۵-۱. این حدیث با روایت‌های فراوان دیگر - که اهل سنت آنها را نقل کرده اند - تعارض دارد؛ چون در آنها تصریح شده که حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است.
۶-۱ با دلایل بیان شده، احتمال ساختگی بودن حدیث قوی می‌نماید و ادعای مهدویت محمد بن عبدالله بن حسن مثنی (فرزند امام حسن علیه السلام) این احتمال را تقویت می‌کند؛ هر چند او در سال ۱۴۵ هـ. ق در دوران خلافت منصور عباسی کشته شد.

دوم. این حدیث - به فرض صحت - با روایات فراوان دیگر - که مهدی علیه السلام را از نسل امام حسین علیه السلام می‌داند - تعارض ندارد و قابل جمع است؛ یعنی اینکه بگوییم حضرت مهدی علیه السلام از طرف پدر حسینی و از طرف مادر، حسنی است و این خود حقیقتی مسلم است؛ زیرا همسر امام سجاد علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام، فاطمه دختر گرامی امام حسن مجتبی علیه السلام بود. از این رو امام باقر علیه السلام از طرف پدر حسینی و از طرف مادر، حسنی است. به دنبال آن دیگر امامان علیهم السلام واقعاً ذریه آن دو امام می‌باشند.

برخی روایات نیز این جمع را تأیید می‌کند؛ مانند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به دختر خود فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «...و الذی بعثنی بالحق ان منهما مهدی هذه الامة...»^۲ «سوگند به کسی که مرا به حق مبعوث فرمود! به درستی که مهدی این امت از آن دو (حسن و حسین) است».

در حدیثی دیگر آن حضرت فرمود: «...ان الله اختار... من علی الحسن و الحسین و اختار منهما تسعة تاسعهم قائمهم...»^۳ «و خداوند... حسن و حسین را از علی، برگزید و از آن دو، نه حجت را انتخاب کرد که نهمین ایشان قائم باشد...».

۱. سید بن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۲۸۵، ص ۴۱۲، باب ۷۶.

۲. محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۳۶؛ کشف الغمة فی معرفة الائمة؛ ج ۳، ص ۴۶۸، به نقل از: ابو نعیم اصفهانی.

۳. مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۲۶۶.

بدین ترتیب و با جمع اخبار، می‌توان روایت ابوداود سجستانی را پذیرفت؛ هر چند شواهد مختلف، بر ضعف آن اقامه شده است.^۱

۶. حضرت مهدی علیه السلام از «فرزندان امام حسین علیه السلام»

پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «آیا تو را بشارت ندهم؟ آیا تو را خبر ندهم؟ عرض کرد: بله، ای رسول خدا! آن حضرت فرمود: هم اینک جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد قائمی که در آخر الزمان ظهور می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد - همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده - از نسل تو و از فرزندان حسین است.»^۲

امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «دوازده مهدی از ما هستند؛ نخستین آنان، امیرمؤمنان علی علیه السلام و آخرین ایشان، نهمین فرزند من است. همو که به حق قیام می‌کند و خداوند به برکت وجود او، زمین مرده را زنده و آباد می‌سازد و دین حق را بر تمام ادیان پیروز می‌گرداند؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند...»^۳

امام سجاد علیه السلام از پدر بزرگوار خود نقل کرده است: «فِي التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِي سُنَّةٌ مِنْ يَوْسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَصْلِحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ»^۴ «در نهمین فرزند من سنتی از یوسف علیه السلام و سنتی از موسی بن عمران علیه السلام است. او قائم ما اهل بیت است که خدای - تبارک و تعالی - امر او را در یک شب اصلاح می‌فرماید.»

سلمان فارسی رضی الله عنه می‌گوید: [روزی] بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم؛ در حالی که حسین علیه السلام بر زانوی ایشان نشسته بود و پیامبر صلی الله علیه و آله چشمان و لب‌های او را می‌بوسید و می‌فرمود: «أَنْتَ سَيِّدُ بَنِي سَيِّدٍ أَنْتَ إِمَامُ بَنِي إِمَامٍ أَبُو الْإِمَامَةِ أَنْتَ حُجَّةُ بَنِي حُجَّةٍ أَبُو حُجَجٍ تَسْعَةَ مِنْ صُلْبِكَ تَأْسِئُهُمْ»

۱. سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، صص ۹۰-۹۱، (با تغییر و تصرف).

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۳۵۷.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۰، ص ۳۱۷، ح ۳.

۴. همان، ص ۳۱۶، ح ۱.

قَائِمِهِمْ»؛ «تو، آقا و فرزند آقایی. تو، امام و فرزند امامانی. تو، حجت و فرزند حجت و پدرت نه حجت از صلب خود هستی. نهمین آنان قائم ایشان است».

و ابل می گوید: امیر مؤمنان علیه السلام در حالی که به فرزند عزیز خود حسین علیه السلام نگاه می کرد، فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَمَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَيِّدًا وَ سَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ يَشْبَهُهُ فِي الْخَلْقِ وَالْخُلُقِ يَخْرُجُ عَلَيَّ حِينَ غَفَلَةٍ مِنَ النَّاسِ...»^۱ «همانا این فرزندم آقا است؛ همان گونه که پیامبر او را آقا نامید. به زودی خداوند از نسل او مردی با نام پیامبرتان به وجود می آورد که هم در خلق و هم در خلق شبیه او است. ظهور خواهد کرد در حالی که مردم در غفلت به سر می برند...»

ابی سعید عقیصاء می گوید: وقتی حسن بن علی علیه السلام با معاویه مصالحه کرد، مردم به نزد او آمدند و برخی از آنها امام را به واسطه بیعتش، مورد سرزنش قرار دادند!

پس آن حضرت فرمود: «وای بر شما! می دانید چه کردم؟ به خدا سوگند! این عمل برای شیعیانم از آنچه که آفتاب بر آن بتابد و غروب کند، بهتر است. آیا نمی دانید که من امام مفترض الطاعة بر شما هستم و به نص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی از دو سروران بهشتم؟ گفتند: آری... فرمود: آیا می دانید که هیچ یک از ما ائمه نیست جز آنکه بیعت سرکش زمانش بر گردن او است؛ مگر قائمی که روح الله عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند؟ خداوند ولادت او را مخفی می سازد و شخص او نهان می شود تا آن گاه که خروج کند. پس بیعت احدی بر گردن او نباشد. او نهمین از فرزندان برادرم حسین است و فرزند سرور کنیزان، خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی می گرداند...»^۲

ابو سعید خدری گوید: «...رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در بیماری ای که به واسطه آن رحلت فرمود، وقتی بی تابی دختر خود فاطمه علیها السلام را مشاهده کرد، چنین فرمود: «...ای فاطمه! شش خصلت به ما اهل بیت داده شده که نه به احدی از اولین داده شده و نه احدی از آخرین آن را درک خواهد کرد: پیامبر ما بهترین پیامبران است و او پدر تو است. وصی ما بهترین اوصیا است و او همسر تو است.

۱. شیخ صدوق رحمته الله علیه، عین اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۷.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۱۴، ح ۲.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۹، ص ۳۶۵، ح ۲.

شهید ما بهترین شهیدان است و او حمزه عموی پدر تو است. دو سبط این امت از ما هستند و آ دو، پسران تو، هستند. مهدی این امت - که پشت سر او عیسی نماز می خواند - از ما است. آن گاه بر شانه حسین علیه السلام زد و فرمود: مهدی این امت از این است.^۱

این حدیث را محمد بن حسن طوسی رحمته الله نیز در کتاب الغیبه بیان کرده است.^۲

۷. حضرت مهدی علیه السلام از «فرزندان امام محمد باقر علیه السلام»

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مُحَدَّثًا السَّابِعُ مِنْهُ وَوَلَدِي الْقَائِمُ»؛^۳ «دوازده محدث از ما است؛ قائم هفتمین از فرزندان من است».

۸. حضرت مهدی علیه السلام از «فرزندان امام صادق علیه السلام»

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «مَنْ أَقْرَبَ بِالْإِثْمَةِ مِنْ آبَائِي وَوَلَدِي وَجَحَدَ الْمَهْدِي مِنْهُ وَوَلَدِي كَانَ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام وَجَحَدَ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله نُبُوَّتُهُ»؛ «هر کس به امامان، از پدرانم و فرزندانم اقرار کند و امامت فرزندانم «مهدی» را منکر شود؛ مانند کسی است که به همه پیامبران صلوات الله علیهم عقیده داشته باشد و نبوت حضرت محمد صلوات الله علیه را انکار کند».

عرض کردم: ای آقای من! مهدی کدام یک از فرزندان شما است؟ فرمود: «الْخَامِسُ مِنْهُ وَوَلَدِي السَّابِعُ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَتُهُ»؛^۴ «پنجمین از فرزندان امام هفتم (موسی بن جعفر) است که شخص او، از شما پنهان می شود و نام بردنش برایتان جایز نیست».

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۵۲؛ و نیز: ر.ک: مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، ص ۱۲۷، باورقی.

۲. محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۹۱.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۹۶، ج ۲۸.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۳۸، ج ۱۲.

۹. حضرت مهدی علیه السلام از «فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام»

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام مَا وَقَعَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْغِيَّاتِ جَارِيَةٌ فِي الْقَائِمِ مَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَذُو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ»؛ «سنت‌های پیامبران با غیبت‌هایی که بر آنان واقع شده است، در قائم ما اهل بیت، مو به مو و مورد به مورد پدیدار می‌شود».

ابوبصیر می‌گوید: عرض کردم: قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود: «ای ابو بصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موسی است. او فرزند بهترین کنیزان است و غیبتی کند که باطل جویان در آن شک کنند. پس خدای تعالی او را آشکار کند و به دست او، شرق و غرب عالم را بگشاید. روح الله عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید و پشت سر او نماز گزارد. زمین به نور پروردگارش روشن گردد و در آن بقعه‌ای نباشد که غیر خدای تعالی در آن پرستش شود. همه دین از آن خدای تعالی گردد؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید».^۱

یونس بن عبدالرحمان از امام صادق علیه السلام پرسید: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستید؟ آن حضرت فرمود: «من قائم به حق هستم؛ لیکن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک کند و آن را از عدل و داد آکنده سازد - چنان که پر از ظلم و جور شده باشد - او پنجمین از فرزندان من است و او را غیبتی طولانی است؛ زیرا بر جان خود می‌هراسد...»^۲

۱۰. حضرت مهدی علیه السلام از «فرزندان امام رضا علیه السلام»

در روایتی آمده است: وقتی از امام رضا علیه السلام پرسیده شد: قائم از شما کیست؟ آن حضرت فرمود: «الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ يَطْهَرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْزٍ وَ يَقْدَسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ...»^۳ «چهارمین از فرزندان من، پسر سرور کنیزان است؛ خداوند به واسطه او زمین را از هر ستمی پاک گرداند...».

ریان بن صلّت می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

۱. همان، ح ۳۱.

۲. همان، ج ۲، باب ۳۳، ح ۵.

۳. همان، باب ۳۵، ص ۳۷۱، ح ۵.

«من صاحب الامر هستم؛ اما آن کسی که زمین را از عدل آکنده می‌سازد - همچنان که پر از جور شده باشد - نیستم. چگونه او باشم؛ در حالی که ضعف بدن مرا می‌بینی! قائم کسی است که در سن پیران و منظر جوانان قیام می‌کند. او نیرومند است. به گونه‌ای که اگر دستش را به بزرگ‌ترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای بر می‌کند و اگر بین کوه‌ها فریاد بر آورد، صخره‌های آن فرو می‌پاشد. عصای موسی و انگشتر سلیمان با او است. او چهارمین از فرزندان من است. خداوند او را در ستر خود نهان سازد؛ سپس او را ظاهر کند و به واسطه او، زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد»^۱.

۱۱. حضرت مهدی علیه السلام از «فرزندان امام محمد تقی علیه السلام»

عَبْدُ الْعَظِيمِ حَسَنِي مِي گويد: بر آقاي خود امام جواد علیه السلام وارد شدم؛ مي‌خواستم از قائم پرسش کنم که آیا مهدی او است یا غیر او؟ امام آغاز سخن کرد و فرمود: «يَا اَبَا الْقَاسِمِ اِنَّ الْقَائِمَ مَتَا هُوَ الْمَهْدِي الَّذِي يَجِبُ اَنْ يَنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيَطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي...»^۲ ای ابو القاسم! قائم ما اهل بیت، همان مهدی [موعودی] است که باید در غیبتش، او را انتظار کشند و در ظهورش، او را فرمان برند. او سومین از فرزندان من است...»

۱۲. حضرت مهدی علیه السلام از «فرزندان امام هادی علیه السلام»

صقر بن ابي دلف گويد: از امام جواد علیه السلام شنيدم که مي‌فرمود: «امام پس از من، فرزندم علی است. دستور او دستور پدرش و سخن او سخن پدرش و اطاعت او اطاعت پدرش است». سپس سکوت کرد. گفتم: ای فرزند رسول خدا! امام پس از حسن کیست؟ او به شدت گریست و سپس فرمود: «پس از حسن فرزندش قائم به حق امام منتظر است». گفتم: ای فرزند رسول خدا! چرا او را قائم می‌گویند؟ فرمود: «زیرا پس از آنکه یادش از بین برود و اکثر معتقدان به امامتش مرتد شوند، قیام می‌کند...»^۳.

۱. همان، ح ۸.

۲. همان، باب ۳۶، ح ۱.

۳. همان، باب ۲۷، ح ۲.

امام هادی علیه السلام نیز فرمود: «الْخَلْفُ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ لَا تُكْمَلُ لَا تَرَوْنَ شَخْصَةً وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ قُلْتُ وَ كَيْفَ نَذْكُرُهُ فَقَالَ قُولُوا الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ»^۱ و جانشین پس از من پسر من حسن است و شما با جانشین پس از او چگونه خواهید بود؟ گفتم: فدای شما شوم! برای چه؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید و بردن نام او بر شما روا نباشد. عرض کردم: پس چگونه او را یاد کنیم؟ فرمود: بگویید: حجت از آل محمد علیهم السلام.

پس از این دسته روایات، روایت‌های فراوانی وجود دارد که پدر آن حضرت را به روشنی تمام معرفی کرده است و از آنجایی که بحث مفصلی را می‌طلبد، در درس بعد بیان خواهد شد.



منابع برای پژوهش:

۱. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰ هـ. ش).
۲. العمیدی، سید ثامر هاشم، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه، محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰ هـ. ش).
۳. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ هـ. ش).
۴. محمد جواد طبسی، با خورشید سامرا، ترجمه عباس جلالی، (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ هـ. ش).

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۷، ص ۳۸۱، ج ۵، باب ۵۶.